

## زبان انگلیسی

۱- گزینه «۳» - در برخی از بخش‌های کانادا، دما به ندرت بالاتر از نقطه انجماد می‌رسد.

توضیح: دما کاری انجام می‌دهد «افزایش می‌یابد» و چون قبل از جای خالی آمده جمله فوق معلوم است پس گزینه‌های «۱» و «۲» نادرستند. **raise** یک فعل متعدی است و بعد از آن مفعول به کار می‌رود پس گزینه «۴» هم نادرست است.

نکته: بالارفتن، برخاستن، افزایش یافتن، طلوع کردن **rise**

بالابردن، بلند کردن، افزایش دادن، پرورش دادن، مطرح کردن (سؤال) **raise**

جمع کردن پول «برای یک هدف خاص»

(معتمدی) (پایه دوازدهم - درس اول - گرامر)

۲- گزینه «۲» - دوایی در مهمانی در گرفت، اما هیچ‌کس آسیب ندید، این‌طور نیست؟

توضیح: سؤال ضمیمه بعد از جمله دوم آمده و به آن مربوط می‌شود بنابراین گزینه «۱» نادرست است. **nobody** جمله را منفی کرده است پس سؤال ضمیمه باید مثبت باشد. ضمیر مبهم **nobody** در سؤال ضمیمه به **they** تبدیل می‌شود پس باید گزینه «۲» را انتخاب کنیم.

نکته: ضمائر مبهمی که به **body** یا **one** - ختم می‌شوند در سؤال ضمیمه به **they** و ضمائر مبهمی که به **thing** - ختم می‌شوند به **it** تبدیل می‌شوند. یعنی:

**anyone / anybody - everyone / everybody - no one / nobody - someone / somebody** → سؤال ضمیمه → **they**

**something - anything - everything - nothing** → سؤال ضمیمه → **it**

(معتمدی) (پایه دوازدهم - درس اول - گرامر)

۳- گزینه «۲» - من در آن لحظه گرفتار بودم. مشغول تعمیر کامپیوترم بودم.

توضیح: کاری که در زمانی در گذشته در حال انجام شدن بوده با گذشته استمراری بیان می‌شود. (معتمدی) (پایه دهم - درس سوم - گرامر)

۴- گزینه «۳» - الف: فکر می‌کنی من بتوانم این مسئله را به تنهایی حل کنم؟

ب: خیر، نمی‌توانی خودت به تنهایی آن را حل کنی. تو به کمک من احتیاج داری.

توضیح: عبارت «ضمیر انعکاسی + **by**» به معنی **alone** «به تنهایی» می‌باشد.

(معتمدی) (پایه دهم - درس سوم - گرامر)

۵- گزینه «۴» - ما انتظار نداشتیم چنان جمعیت زیادی در کنسرت حضور یابند. همه بلیط‌ها فروش رفتند.

(۱) تأکید کردن (۲) روایت کردن (۳) بررسی کردن (۴) حضور یافتن در  
(معتمدی) (پایه دهم - درس سوم - واژگان)

۶- گزینه «۱» - یکی از لذات والد بودن تماشای رشد کردن شخصیت کودک است.

(۱) رشد کردن، توسعه دادن (۲) رفتار کردن (۳) از بخواندن (۴) مشاهده کردن  
(معتمدی) (پایه دهم - درس سوم - واژگان)

۷- گزینه «۱» - محققین معتقدند که یادگیری کلمات جدید در زبان دوم روند پیچیده‌ای است.

(۱) روند، فرآیند (۲) مقدار، کمیت (۳) کشف (۴) ترکیب  
(معتمدی) (پایه دوازدهم - درس اول - واژگان)

۸- گزینه «۱» - اولین چالش جدی این دولت جدید تحت کنترل در آوردن بودجه است.

(۱) چالش، مبارزه طلبی (۲) راهنمایی، هدایت (۳) موهبت، برکت (۴) اصل  
(معتمدی) (پایه دوازدهم - درس اول - واژگان)

۹- گزینه «۲» - برای هندیان گواآتمالا، لباس سنتی پیوندی مهم با فرهنگ و میراثشان به‌شمار می‌آید.

(۱) پاسخ، عکس‌العمل (۲) میراث (۳) تأیید (۴) اتصال، ارتباط  
(معتمدی) (پایه دوازدهم - درس اول - واژگان)

۱۰- گزینه «۱» - ران جاورسکی یکبار متذکر شد که تفکر مثبت کلید موفقیت در تجارت، تحصیل، فوتبال حرفه‌ای و هر چیزی که بتوانید نام ببرید می‌باشد.

(۱) نام بردن، ذکر کردن (۲) جایگزین کردن، سر جای خود گذاشتن

(۳) بیرون کشیدن (اطلاعات و ...)

(معتمدی) (پایه دوازدهم - درس اول - واژگان)

۱۱- گزینه «۳» - مطمئن نیستم بعد از فارغ‌التحصیلی چه کار خواهم کرد، اما تصور می‌کنم ناچار خواهم شد شغلی پیدا کنم.

(۱) الهام بخش بودن (۲) اداره کردن (۳) پنداشتن، تصور کردن (۴) طراحی کردن  
(معتمدی) (پایه دوازدهم - درس دوم - واژگان)

۱۲- گزینه «۴» - در آن کنفرانس بین‌المللی، تصویر سخنرانان بر روی یک صفحه نمایش خیلی بزرگ ده برابر بزرگ‌نمایی شد.

(۱) ارج نهادن به (۲) سزاوار بودن (۳) نصب کردن (۴) بزرگ‌نمایی کردن  
(معتمدی) (پایه دوازدهم - درس دوم - واژگان)

کلوزتست:

در حالی که به یک موسیقی گوش می‌دادم، از شمال ایتالیا گذر می‌کردم. اگرچه هوا آفتابی بود، نسبت به ماه آوریل خنک محسوب می‌شد. اتوبوس راحت و پر نور بود. به ما نوشیدنی‌های خنک و غذاهای لذیذ داده شد.

درست بعد از نیمروز، جاده سربالایی شد و دمای هوا به سرعت کاهش یافت. هنگامی که به بلندترین نقطه سربالایی رسیدیم، به شدت برف می‌بارید. ناگهان صدایی مهیب به گوش رسید و اتوبوس از جاده خارج شد و متوقف گردید. برای یک لحظه سکوت حاکم شد و همه بی‌حرکت شدند. خوشبختانه هیچ کس آسیبی ندید و طولی نکشید که همگی از شدت هیجان فریاد بر آوردیم. به دنبال پنجر شدن یکی از چرخ‌ها، راننده کنترل اتوبوس را از دست داده بود. او گفت که در چنان شرایط آب و هوایی افتضاحی نمی‌تواند چرخ اتوبوس را عوض کند. (معمدی)

۱۳- گزینه «۱» - توضیح: **give** فعلی است که به دو مفعول نیاز دارد (**give sb sth**) و چون بعد از جای خالی مفعول شخصی (**sb**) نیامده پس فعل **give** باید به صورت مجهول به کار رود. داستان در زمان گذشته ساده روایت شده پس باید گزینه «۱» را انتخاب کنیم. در ضمن از موضوع داستان متوجه می‌شویم که نوشیدنی و غذا به مسافران داده می‌شود، قرار نیست مسافران به کسی غذا بدهند پس این جمله مسلماً مجهول است.

(کلوزتست)

۱۴- گزینه «۲» -

(۱) موقعیت، مکان (۲) دما (۳) امکان، احتمال (۴) تأسیس، زیربنا  
(کلوزتست)

۱۵- گزینه «۲» -

(۱) یا (۲) و (۳) اما (۴) بنابراین  
(کلوزتست)

۱۶- گزینه «۴» -

(۱) به لحاظ عاطفی (۲) به لحاظ تاریخی (۳) آرام (۴) خوشبختانه  
(کلوزتست)

۱۷- گزینه «۳» -

(۱) مشاهدات (۲) آذوقه (۳) شرایط (۴) روابط  
(کلوزتست)

متن اول:

«ونیز» یک شهر و بندر ایتالیایی است که در منتهی‌الیه شمال غربی دریای آدریاتیک قرار دارد. این شهر یکی از زیباترین شهرهای دنیاست و به نظر می‌رسد که از وسط آب بیرون آمده. در واقع ونیز بر روی ۱۲۰ جزیره‌ی کم ارتفاع در مرداب ونیز بنا گردیده است و به وسیله‌ی قطعات خشکی در برابر دریای آزاد محافظت می‌شود. استفاده از وسایل نقلیه‌ی موتوری در این شهر قدیمی مجاز نیست و مردم آن‌جا با قایق از طریق حدود ۱۸۰ کانال در شهر تردد می‌کنند.

یک آبراهه به طول بیش از چهار کیلومتر، ونیز را با خاک اصلی ایتالیا مرتبط می‌سازد و راه آهن و جاده نیز از آن عبور می‌کنند. توریست‌ها پس از خروج از ایستگاه می‌توانند سوار بر قایق موتوری در امتداد «گراند کانال» که به شکل S بر عکس پیچ خورده، حرکت کنند و از قلب شهر عبور نمایند. قایق‌های دیگری چون کرجی‌های مشکی و زیبای ونیزی که ونیز به خاطر داشتن‌شان معروف است، نیز گراند کانال را شلوغ کرده‌اند. این کرجی‌ها کفی صاف و مسطح دارند و جلو و عقبشان برآمده است. بیشتر آن‌ها حدود ده متر طول دارند و می‌توانند از ۲ نفر تا ۶ نفر سرنشین داشته باشند.

هم‌چنان که قایق مسیر ماریچی بین ایستگاه‌ها را در کانال طی می‌کند، شهر نمایان می‌شود و کاخ‌ها، کلیساها و چشم‌اندازهای جالب و دیدنی در امتداد کانال‌های فرعی به نمایش درمی‌آیند. کاخ‌های زیبایی که آب به دیوارهایشان برخورد می‌کند، یکی پس از دیگری در معرض دید قرار می‌گیرند. قصر کادورو (خانه‌ی طلایی) با نمایی کاملاً تزیین شده به طرز استثنایی با شکوه است. این کاخ در قرن پانزدهم توسط تاجری ثروتمند بنا گردید و اکنون به موزه تبدیل شده است. قایق از زیر پل «ریالتو» - یکی از ۴۰۰ پل ونیز - می‌گذرد که دو ردیف از مغازه‌های کوچک در طرفین آن قرار دارند. (معمدی)

۱۸- گزینه «۲» - بر اساس متن، مردم ونیز با قایق در شهر گردش می‌کنند.

(۱) مجبورند در اتوبان زندگی کنند

(۲) ۲۰۵ مایل از دریای آزاد فاصله دارند

(۳) در سرزمینی زندگی می‌کنند که ۱۲۰ متر از سطح دریا پایین‌تر است  
(درک مطلب)

۱۹- گزینه «۱» - کدام جمله درباره ونیز صحیح نیست؟

(۱) وسایل نقلیه مجازند در ونیز به هر جایی بروند.

(۲) توریست‌ها می‌توانند با قایق موتوری از مرکز شهر عبور کنند.

(۳) ونیز، شهر و بندر ایتالیایی، در منتهی‌الیه شمال غربی دریای آدریاتیک واقع گردیده است.

(۴) آبراه‌ای به طول بیش از ۴ کیلومتر ونیز را با خاک اصلی ایتالیا مرتبط می‌سازد.  
(درک مطلب)

۲۰- گزینه «۳» - واژه «magnificent» در پاراگراف سوم از لحاظ معنا به excellent (فوق‌العاده) نزدیک‌تر است.

(۱) خاص (۲) معمولی (۳) جالب (۴) (درک مطلب)

۲۱- گزینه «۴» - یکی از چیزهایی که ونیز به خاطر داشتنش معروف است، کَرَجی‌های ونیزی می‌باشند.

(۱) جزایر (۲) کانال‌ها (۳) کاخ‌ها (درک مطلب)

متن دوم:

وقتی نامم را به خانمی که پشت میز نشسته بود، گفتم و دلیل آمدنم را برایش توضیح دادم، اندکی متعجب به نظر می‌رسید. او گفت: «بسیار خوب، لطفاً بنشینید. آقای «لمبرت» به زودی خواهد آمد.» سه خانم جوان که همگی تقریباً هم سن و سال من بودند، نیز منتظر نشسته بودند. آن‌ها نگاه عجیبی به من می‌کردند گویی که من اصلاً نمی‌بایست آن‌جا می‌بودم. نزدیک در نشستم و بار دیگر به آگهی نگاه کردم. من در روزنامه‌ی محلی به آن آگهی برخورد کرده بودم.

من نامه‌ای کوتاه درباره خودم نوشته بودم و در پاسخ یادداشتی مختصر دریافت کردم که در آن از من برای گفت‌وگو دعوت به عمل آمده بود. آن چه که مرا به تعجب واداشته بود، این واقعیت بود که آنان برای من یک تقاضا نامه درست و حسابی نفرستاده بودند تا آن را تکمیل کنم. حتی از من عکس هم نخواستند. بنابراین درحالی که به انتظار آقای لمبرت نشسته بودم، ناگزیر از خود می‌پرسیدم که آیا آن‌ها می‌دانستند من مذکر هستم. من نامه را با اسم «کریس نیل» امضا کرده بودم. آیا آن‌ها گمان می‌کردند «کریس» مخفف «کریستین» است نه «کریستوفر؟» من قبلاً کارهای اداری معمولی انجام داده بودم. از کامپیوتر سر در می‌آوردم و زبان اسپانیایی را به آسانی صحبت می‌کردم. اما شاید این یکی از آن کارهایی بود که تنها به خانم‌ها اختصاص داشت.

پس از مدتی یک آقای سی و یکی دو ساله داخل شد. از قرار معلوم متوجه من نشد و خودش را تحت عنوان جک لمبرت معرفی کرد. او گفت: «مایلم ابتدا کمی در مورد این شرکت برایتان صحبت کنم و سپس با هر یک از شما به طور جداگانه گفت‌وگو خواهم نمود. امّا آن یکی خانم کجاست؟ ... راستی، اسمش چه بود؟» من با تردید پرسیدم: «کریس نیل را می‌گویید؟» او گفت: «بله» اما وقتی چشمش به من افتاد، از تعجب آهی کشید و گفت: شما که کریس نیستید. هستید؟» آن‌گاه من حسابی خجالت کشیدم. (معمدی)

۲۲- گزینه «۲» - خانمی که پشت میز نشسته بود، متعجب به نظر می‌رسید زیرا انتظار نداشت که یک مرد تقاضای آن شغل را کرده باشد.

(۱) آن مرد واقعیت را به او نگفت

(۲) می‌دانست که آن مرد در جلسه پذیرفته نخواهد شد

(۳) در همان نگاه اول دریافت که به آن مرد آدرس اشتباه داده بودند

(درک مطلب)

۲۳- گزینه «۴» - از متن می‌توان دریافت که در آن آگهی جنسیت فرد مورد نیاز برای آن شغل قید نگردیده بود.

(۱) آن سه خانم جوان سعی داشتند او را مسخره کنند

(۲) رئیس شرکت دوست نداشت مردان با او همکاری کنند

(۳) خانمی که پشت میز نشسته بود، از طرز رفتار آن مرد راضی نبود

(درک مطلب)

۲۴- گزینه «۱» - مدیر شرکت متعجب شد زیرا آن‌ها نام آن مرد را با نام یک دختر اشتباه گرفته بودند.

(۱) آن مرد تقاضانامه را به طور کامل پر نکرده بود

(۲) آن مرد اسمش را به شکل مختصر ننوشته بود

(۳) آنان سن و سال آن مرد را برای شغل مربوطه مناسب نمی‌دیدند

(درک مطلب)

۲۵- گزینه «۳» - مردی که متقاضی آن شغل بود، نام واقعی خود را در نامه نوشته بود.

(۱) کریستین را با کریستوفر اشتباه گرفته بود

(۲) از نام رئیس شرکت تعجب کرد

(۳) وقتی رئیس او را صدا زد، خوشحال شد

(درک مطلب)